

توزیع کتاب، مشکلات و راهبردها

حمید آیتی

یکی از واقعیت‌های تلخ موجود در عرصه چاپ و نشر کشور ما، مشکل توزیع است. حقیقتاً در جامعه ما که به روایت آمار و ارقام همه‌ساله از تعداد بی‌سوادان کاسته شده و از سوی دیگر بر شمار دانشجویان دانشگاه‌های آزاد و دولتی و... افزوده می‌گردد تیراژ ۲۰۰۰ و ۳۰۰۰ و حتی ۵۰۰۰ نسخه نباید رقم بالایی باشد به حدی که ناشر نگران سرمایه‌اش بوده و بعضاً بیش از یک سال فروش این تعداد کتاب بطول انجامد.

البته این نکته را نمی‌توان مکث داشت که سرانۀ مطالعه و کتابخوانی در کشور ما هم در میان تحصیلکردگان و هم در بین اقشار عادی جامعه بسیار اندک است، لکن به نظر ما گره کار فروش بطئی کتاب در جایی دیگر است و به وضعیت نابسامان توزیع برمی‌گردد.

آن‌گونه که نگارنده این سطور خود، در بسیاری از کتابفروشی‌های شهرستانها دیده است، این کتابفروشی‌ها از کتب جدیدی که انتشار یافته بی‌اطلاع و بی‌بهره‌اند و بخش اعظم آنها را کتب قدیمی با موضوعاتی محدود تشکیل می‌دهد. شاید یکی از دلایل عمده وضعیت مارالذکر، این باشد که ناشرین و کتابفروشی‌های بزرگ تهران به واسطه بُعد مسافت و عدم شناخت کافی از کتابفروشی‌های شهرستانها یا فقط بر معاملات نقدی تأکید دارند که قطعاً برای طرف دیگر معامله مطلوب نیست و یا شرایط سنگین و تخفیف‌های ناچیزی در نظر می‌گیرند که باز هم برای طرف دوم مقرون به فایده نمی‌باشد. حال چه باید کرد که کتابفروش فلان شهرستان، کتابی را که عمدتاً در تهران انتشار می‌یابد با فاصله اندکی پس از انتشار عرضه نماید و چه راه حلی باید اندیشید که دانشجویان و اهل کتاب و مطالعه در بهمان شهر که فرصت و امکان آمدن به «مرکز» را ندارد بتوانند به آخرین کتب و دستاوردهای عالم نشر کشورش دست یابند؟

به نظر می‌رسد رسیدن به این هدف در گرو گره‌گشایی مسأله توزیع بوده و از راه نظم و سامان بخشیدن توزیع است که عرضه کتاب مسیر هموار و بستر مناسب حرکت خود را سپری می‌نماید.

در این میان، نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بسیار بارز و برجسته است. چنانچه وزارتخانه مزبور ترتیبی مقرر دارد که پس از چاپ هر عنوان کتاب، تعداد مشخصی از ناشر آن خریداری نموده (که ضمناً این اقدام حمایتی مؤثر از ناشر نیز هست) و آنها را در اختیار ادارات کل وزارت ارشاد که در اقصی نقاط کشور بطور رسمی برپاست قرار دهد گام اول که رساندن کتابهای جدید به همه نقاط کشور (بویژه مراکز استانها) است بخوبی برداشته شده است. اینک برای فروش آن به چندگونه می توان عمل کرد: یکی آنکه این ادارات کل به عنوان «مرکز پخش» عمل کنند و کتب را با شرایط مناسب در اختیار کتابفروشی های مختلف حوزه خود بگذارند. راه دیگر اینک ادارات کل ارشاد، رأساً اقدام به تأسیس فروشگاه های بزرگ کتاب نمایند. البته از آنجا که شعب جهاددانشگاهی در سراسر کشور، به عنوان یکی از فعالیتهای مهم، فروش کتاب را در برنامه خود داشته و غالباً از کتابفروشی های فعال در حساسترین نقاط شهر برخوردارند نیز می توانند در همین رابطه با مساعدت و همیاری وزارت ارشاد، امر فوق را متحقق گردانند. از دیگر شیوه های گسترش انتشارات، برپایی نمایشگاه های تخصصی کتاب است چرا که برگزاری این گونه، به جهت تمرکز موضوعی کتابها، مخاطب را سریع تر و ساده تر فرا خوانده و او را برای یافتن کتاب مورد نظرش به تفحصی وقت گیر در غرفه های متعدد و متفرق وانمی دارد و بنظر می رسد که برای ناشر اقتصادتر نیز هست. این شیوه را می توان در نمایشگاه بین المللی کتاب آتی آزمود.

به هر حال با تمهیداتی از این قبیل و کاملتر و پخته تر از آن است که مشکلات نشر، بتدریج کاهش یافته و نیز به قول رهبر انقلاب «کتاب وارد زندگی مردم می شود».

